

نگاه کارشناس

حامد وفايي کارشناس مسائل چین در گفت و گو با «هم‌میهن»:

نماید انتظار داشت پکن مسائل ما را در منطقه حل کند

و چین همچنان مبهم است و به‌هیچ‌وجه قابل مقایسه با کشورهای عربی نیست.

از نظر چینی‌ها در ایام اخیر ما دو جنگ بزرگ را در منطقه خاورمیانه داشتیم: یکی تجاوز رژیم اسرائیل به ایران و یکی هم درگیری‌های مجدد رژیم اسرائیل با فلسطینی‌ها. با دقت در مواضع مقامات چینی متوجه می‌شویم که پکن کلید حل مشکلات خاورمیانه را در تغییر نیافتن بافت تاریخی خاورمیانه می‌داند و دوم اینکه کشورهای منطقه خودشان را با واقعیت‌های ژئوپلیتیک منطقه همسو کنند. موضع پکن برخلاف موضع واشنگتن است که قصد دارد ترکیب ژئوپلیتیک خاورمیانه را تغییر دهد. بحث بعدی مسیر توسعه است: ابزار اصلی چینی‌ها برای اعمال نفوذ و ایفای نقش در منطقه ما مسئله توسعه است. از نظر چینی‌ها هر تحولی در خاورمیانه باید با مسیر توسعه منطقه غرب آسیا و خاورمیانه انطباق داشته‌باشد. در این چارچوب چین تلاش‌های متعددی را برای حل بحران‌های منطقه از جمله پرونده هسته‌ای ایران و اختلاف‌های ایران و عربستان سعودی انجام داده‌است. اعتقاد من این است که ما نباید انتظار داشته‌باشیم چین مشکلات و مسائل ما را در منطقه حل کند.

«نظر شما در خصوص بیانیه مشترک چین و امارات متحده عربی و اشاره به حمایت چین از تلاش‌های امارات متحده عربی برای حل مسالمت‌آمیز اختلاف‌ها در مورد جزایر سه‌گانه ایرانی چیست؟

چینی‌ها الان مدتی است که بر لزوم ارتقاء روابط راهبردی، هم با کشورهای عربی و هم با ایران تأکید کرده‌اند. معنای این موضع این است که ایران باید به راهکارهای جامع برای حل مسائل منطقه بپیوندد و نه اینکه انتظار داشته‌باشد که چین رأساً مسائل ایران را در منطقه حل کند. در سفر اخیر وقتی که از آقای وانگ ئی در باره فضای خاورمیانه سوال شد ایشان اولاً به انتخاب‌های مستقل مردم خاورمیانه و لزوم احترام گذاشتن به آن تأکید کردند. این نشان می‌دهد که نگرانی‌های مشروع ملت‌های منطقه برای چین اهمیت دارد. نکته دوم بحث پایبندی به حل مسالمت‌آمیز مناقشات از طریق گفت‌وگو در منطقه خاورمیانه است. در این چارچوب موضع چینی‌ها درباره مسئله امارات و ادعاهای امارات درباره جزایر ایرانی قابل فهم خواهد بود: به این معنا که چینی‌ها در مناقشاتی که ارتباط مستقیم با امنیت ملی‌شان پیدا نکند موضع بی‌بیانی می‌گیرند. یکی از این موارد ادعای امارات است که چین برخلاف آن چیزی که در رسانه‌ها آمده، هرگز از ادعای امارات حمایت نکرده‌است. چین به عنوان کشوری که با اماراتی‌ها مرادوات گسترده و برنامه‌های بلندمدتی دارد اعلام کرده که اگر اختلافی وجود دارد، باید از طریق گفت‌وگو با ایران حل شود. در نتیجه امارات گفته ما تلاش داریم از طریق گفت‌وگو حل کنیم و چین گفته ما از تلاش شما حمایت می‌کنیم. این انتهای موضع چین است که در سخنان وانگ ئی هم تحت عنوان پایبندی پکن به حل مسالمت‌آمیز مناقشات منطقه از طریق گفت‌وگو به آن اشاره شده‌است.

«اساساً به اعتقاد شما وزن ایران در سیاست خاورمیانه‌ای چین، تا چه اندازه نسبت به روابط چین با کشورهای عربی جنوب خلیج فارس قابل قیاس است؟

سال ۲۰۲۲ اولین اجلاس چین و کشورهای عربی در ریاض برگزار شد و این اجلاس سال آینده یعنی ۲۰۲۶ در چین برگزار خواهد شد. وانگ ئی در سفر هفته پیش خود اعلام کرد که سطح اعتماد متقابل استراتژیک چین و اعراب در سال آینده به سطحی جدیدی ارتقا خواهد یافت. من همیشه تأکید داشته‌ام که اگر ایران می‌خواهد با چین رابطه راهبردی داشته‌باشد، به شکل هرمی است که کف این هرم شناخت متقابل، میانه هرم اعتماد متقابل و رأس هرم اعتماد راهبردی است. رابطه کشورهای عربی و چین دقیقاً بر همین مبنا است و وزیر خارجه چین هم تأکید می‌کند که اعتماد راهبردی چین و کشورهای عربی ارتقا پیدا می‌کند.

حوزه دیگری که در همکاری‌های آتی کشورهای عربی با چین مورد تأکید است بحث همکاری‌های با کیفیت بالا در ابتکار «پهنه و راه (BRI)» چین است. وقتی که رنجیره ارزش مطرح می‌شود، همکاری‌های کیفی امروز یکی از کلیدواژه‌های سیاست خارجی چین است؛ به این معنا که دیگر تولید مایه‌و تولید مورد توجه چینی‌ها نیست بلکه تولید با کیفیت و همکاری‌های کیفی مورد توجه است. در یک بیان مدرن‌نیزاسیون روابط چین و عرب در دستور کار پکن و کشورهای عربی قرار دارد. در جایگذاری این سه کشوری که وانگ ئی به آنها سفر کرد توجه عربستان جایگاه شیخوخت و رهبری در جهان عرب اهل سنت دارد، امارات جایگاه اقتصادی ویژه دارد و اردن به جهت نزدیکی به منطقه درگیری‌های اخیر خاورمیانه و فلسطین اهمیت دارد. اینها مقاصد کاملاً هوشمندانه تعیین شده‌است. ما شاهد این هستیم که چین در حال ادبیات‌سازی و گفتمان‌سازی برای ایجاد مفاهیم امنیتی مشترک، جامعه مشارکتی و پایدار با کشورهای عربی منطقه است. من امیدوار هستم که جمهوری اسلامی با ظرفیت ژئوپلیتیک ژئواکونومیک و ژئو کالچری‌ای که دارد کاملاً امکان تقاطع‌گیری با ابتکارات چهارگانه‌ای که اخیراً رهبر چین مطرح کرده‌اند، داشته‌باشد. ابتکارهای چین عبارتند از ابتکار امنیت جهانی، ابتکار توسعه جهانی، ابتکار تمدن جهانی و اخیراً ابتکار حکمرانی جهانی. ایران باید بتواند منافع مشترک در این چارچوب تعریف کند و همکاری‌های جدید در حوزه‌های مورد علاقه چین تعریف کند.

وانگ ئی، وزیر خارجه جمهوری خلق چین در سفری منطقه‌ای به خاورمیانه سفر کرد و از کشورهای امارات متحده عربی، عربستان سعودی و اردن بازدید کرد. این سفر در آستانه ۷۰ سالگی برقراری روابط دیپلماتیک چین و کشورهای عربی منطقه انجام شد. در این میان صدور بیانیه مشترک وزرای خارجه چین و امارات متحده عربی که در آن به حل مسالمت‌آمیز اختلاف‌ها در خصوص جزایر سه‌گانه مطرح شده‌بود، با واکنش‌های متعددی در ایران مواجه شد. حامد وفايي، کارشناس مسائل چین، معتقد است که بیانیه اخیر وانگ ئی و همتای اماراتی صرفاً در چارچوب نگاه چین به حل مسالمت‌آمیز مسائل منطقه است و به معنای حمایت از موضع امارات نیست. وفايي معتقد است که کشورهای عربی منطقه استراتژی بهتری را برای توسعه روابط با چین انتخاب کرده‌اند، درحالی‌که سیاست ایران برای روابط راهبردی با چین مبهم است و هنوز زمینه‌های لازم برای توسعه روابط در ایران تثبیت نشده‌اند. در ادامه متن کامل گفت‌وگوی «هم‌میهن» را با حامد وفايي، استاد دانشگاه و کارشناس مسائل چین مطالعه می‌کنید.

«فکر می‌کنید نقش کشورهای عربی خاورمیانه در سیاست خارجی چین تا چه اندازه اهمیت داشته‌باشد و دلیل این اهمیت چیست؟

در یک دهه گذشته منطقه غرب آسیا در سیاست خارجی چین به عنوان محیط پیرامونی ارتقا پیدا کرده‌است. اگر اولویت‌های سیاست خارجی چین را به شکل دوایر متداخل ترسیم کنیم به این نتیجه می‌رسیم که مرکز این دایره ایالات متحده آمریکا است. دایره دوم ژاپن هند و روسیه هستند و دایره سوم محیط پیرامونی چین. در یک دهه اخیر اولویت منطقه غرب آسیا یک دایره ارتقا پیدا کرده و به دایره سوم یعنی محیط پیرامونی چین رسیده‌است. بر اساس همین ارتقای اولویت است که چینی‌ها از سال‌ها قبل مناسبات خودشان را با بسیاری از کشورهای منطقه مثل ایران، عربستان سعودی، مصر و امارات متحده عربی به سطح مشارکت جامع راهبردی ارتقا دادند و یک نگاه بلندمدت را به این منطقه داشتند. در سال‌های اخیر عملاً رقابتی بین کشورهای منطقه برای تعمیق و گسترش روابط با دومین قدرت اقتصادی جهان شکل گرفت و چین در حال برنامه‌ریزی‌های راهبردی برای حضور و تثبیت حضورش در این حوزه ژئوپلیتیک با اهمیت است.

در این سال‌ها شاهد سفرهای مکرر مقامات چینی به این منطقه و بالعکس سفرهای مکرر مقامات ارشد کشورهای این حوزه به چین بودیم. سفر اخیر چین به منطقه نیز در چارچوب همین رفت و آمدها بود. نکته مهم در مورد این سفر همزمانی آن با اجرایی شدن برنامه پانزدهم توسعه چین است. در مذاکرات وزیر خارجه چین با مقام‌های ارشد سه کشور امارات، عربستان و اردن نیز به موضوع برنامه پانزدهم توسعه چین اشاره شده‌است. این نکته را از این جهت عرض می‌کردم که مقام‌های ایران باید بدانند که در صورتی که تمایل داشته‌باشند وارد یک رابطه راهبردی بلندمدت به چین بشوند، باید اسناد بالادستی کشور با اسناد بالادستی طرف مقابل همسو و هماهنگ شود. طرح‌های توسعه‌ای دو کشور به هم گره بخورد یعنی مثلاً برنامه توسعه پنج‌ساله ایران، برنامه‌های توسعه چین با برنامه‌های توسعه که چه بلندمدت چه کوتاه‌مدت یا اسناد راهبردی سند چشم‌انداز و این موارد به هم گره بخورد و در واقع چینی‌ها به عنوان یک قدرت جهانی سهم خودشان را از سبد توسعه کشور ما بدانند و بتوانند به طور بلندمدت برای این موضوع برنامه‌ریزی کنند که تا این لحظه این اتفاق نیفتاده‌است.

«با توجه به رقابت‌های جاری برای نفوذ در منطقه میان قدرت‌های جهانی و تلاش‌های کشورهای عربی منطقه برای تنوع بخشی به مبادی تجاری و شرکای امنیتی‌شان، استراتژی بلندمدت چین برای حضور در خاورمیانه چگونه است و این استراتژی تا چه اندازه ممکن است با راهبرد ایالات متحده آمریکا در منطقه تداخل داشته‌باشد؟

در تعاملات چین با کشورهای حوزه عربی و خلیج فارس پنج چارچوب اصلی برای همکاری و تعامل از سوی پکن تعیین شده‌است: نوآوری، سرمایه‌گذاری، انرژی، همکاری‌های تجاری و اقتصادی و نهایتاً تعامل‌های فرهنگی. در کل جایگاه کشورهای عربی در سیاست خارجی چین به شکل چشمگیری در حال پررنگ شدن و افزایش است. وقتی به محتوای مذاکراتی که در اولین اجلاس چین و کشورهای عربی در ریاض عربستان سعودی در ماه دسامبر سال ۲۰۲۲ برگزار شد، نگاه کنیم می‌توانیم به عمق تعاملاتی که کشورهای عربی برای همکاری با چین تنظیم کردند، پی ببریم. از توافقاتی که گسترده‌ای که در آن اجلاس شد متوجه می‌شویم که برنامه‌هایی که چین برای کار با کشورهای عربی در نظر گرفته بسیار فراتر از یک چارچوب رابطه سنتی و دوجانبه است. بر این اساس، به نظر، ما در یک دهه پیش رو و به‌خصوص تا سال ۲۰۳۰ بسیار بیش از چیزی که امروز می‌شنویم در باب همکاری‌های چین و کشورهای عربی خواهیم شنید و این نکته برای ما که رقابت‌های ژئوپلیتیک با کشورهای

عربی داریم، بسیار مهم است.

برنامه چین این است که تا سال

۲۰۲۷ مناسبات تجاری خود را با

کشورهای عربی به ۴۳۰ میلیارد

دلار برساند. در برابر جنس و

محتوای همکاری‌های ایران

توازن در سیاست خارجی و وابستگی بیش از اندازه به چین و روسیه در روابط خارجی خود در عین خصومت با غرب، اهرم‌های کافی برای مقابله با سیاست‌های غیردوستانه چین ندارد. به اعتقاد کارشناسان، چینی‌ها زمانی که احساس می‌کنند ایران توان کافی برای کاهش روابط یا آسیب زدن به منافع چین ندارد، توجهی به خواسته‌ها و خطوط قرمز ایران نشان نمی‌دهند، چراکه معتقدند تهران توانایی کافی برای واکنش یا کاهش روابط با چین ندارد.

❖ کیهان علیه چین

حسین شریعتمداری، مدیر مسئول روزنامه کیهان در یادداشتی در واکنش به بیانیه اخیر چین نوشت: «جمهوری اسلامی ایران کشوری مستقل است و در حاکمیت بلامنازع بر وجه به وجه خاک خود با هیچ‌کس و هیچ کشور و هیچ قدرتی تعارف ندارد. وزیر خارجه چین باید هرچه زودتر اشتباه بزرگی که مرتکب شده است را جبران کند. «شریعتمداری در تلاش برای ادعای متقابل در مقابل چین نوشت: «با همین نگاه و با قاطعیت می‌توان گفت که جزایر تایوان، پنگ‌هو، تین‌من و ماتسو که امروزه تحت عنوان دولت چین تاییه اداره می‌شوند و دولت چین ادعای مالکیت آن را دارد نیز به چین تعلق ندارد و دست‌کم اینکه مالکیت چین بر آن قابل مناقشه جدی است.»

❖ رابطه از روی ناگزیری

حمید ابوطالبی، دیپلمات پیشین و معاون سیاسی دفتر رئیس‌جمهور در دولت روحانی نیز در یادداشتی نوشت: «تکرار ادعای ارضی علیه ایران در بیانیه‌ای که چین پای آن را امضا کرده، صرفاً یک همراهی لفظی یا خطای تشریفاتی نیست، بلکه کنشی آگاهانه از سوی بازیگری است که خود را در موقعیت «عدم پرداخت هزینه» می‌بیند. چین با سوءاستفاده از روابط نامتوازن ایران در نظام بین‌الملل نشان داده است که در سیاست خارجی خود به اصولی چون احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی دیگران پایبند نیست و تنها معیار رفتار آن، منافع اقتصادی و مصلحت‌سنجی فرصت‌طلبانه است.» ابوطالبی با اشاره به ميانجی‌گری چین در روابط ایران و عربستان سعودی، تصریح کرد: «وقتی تمامی تنظیم‌روابط ایران در خلیج فارس از کانال چین عبور می‌کند و چین به میانجی ایران و عربستان، دو قدرت بزرگ منطقه تبدیل می‌شود و بر کلیت دیپلماسی منطقه‌ای ایران سیطره می‌یابد، نتیجه‌ای جز همین جسارت‌ها ندارد. در چنین وضعیتی، چین نه‌شریک راهبردی، بلکه تنظیم‌گر منافع خود می‌شود؛ بازیگری که ایران را به آسانی به وجه‌المصالحه روابطش با رقبای منطقه‌ای تبدیل می‌کند و هیچ‌اصل‌پایداری جز سود اقتصادی نمی‌شناسد.» ابوطالبی تصریح کرد: «در منطق سیاست متوازن، اگر ایران از روابط تنظیم‌شده و پیشرفته با قدرت‌های مؤثر، به‌ویژه آمریکا، بر خوردار بود، چین ناگزیر می‌شد ایران را به‌عنوان بازیگری مستقل و دارای گزینه‌های متنوع به‌رسمیت بشناسد.»

موضوع فقدان توازن در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در گذشته نیز مورد اشاره کارشناسان و دیپلمات‌های پیشین قرار گرفته‌است. کوروش احمدی، دیپلمات بازنشسته در واکنش به بیانیه ۱۴۰۱ رئیس‌جمهور چین با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نوشته‌بود: «چنین عاقبتی برای یک سیاست خارجی تک‌سویه و نامتوازن قطعی و محتوم است. هیچ‌وقت تردیدی در نادرست‌بودن تصور مسئولان ایرانی مبنی بر داشتن روابطی راهبردی با چین وجود نداشته و مقامات چینی هرگز چنین تصویری نداشته‌اند. این مواضع فقط رویکرد سیاسی سال‌های اخیر چین به منطقه و بازیگران آن را از پرده برون افکند.»

❖ اولویت کشورهای عربی

مناسبات تجاری چین و کشورهای عضو اتحادیه عرب در ۷ ماه نخست سال ۲۰۲۵ به ۲۴۱ میلیارد دلار رسیده‌است که حدود ۱۰ برابر حجم تجارت ایران و چین در همین مدت است. بخش اعظم مناسبات تجاری چین و کشورهای عربی با کشورهای منطقه خلیج فارس است. در عین حال کشورهای عربی منطقه روابط متعدد و متنوعی با قدرت‌های جهانی دارند، درحالی‌که ایران به صورت یکجانبه در سیاست خارجی و درآمدهای ارزی به چین وابسته است. بر اساس گزارش‌ها تقریباً تمامی نفت خام صادراتی ایران در ۵ سال گذشته به چین فروخته‌شده‌است و از این رو اصلی‌ترین منبع درآمد ارزی جمهوری اسلامی ایران به پکن وابسته‌است. درحالی‌که کشورهای عربی مانند امارات متحده عربی و عربستان سعودی بازارهای متنوع نفتی در اختیار دارند که به سادگی می‌توانند از این منابع به عنوان منابع جایگزین در صورت کاهش روابط با چین استفاده کنند. در این چارچوب به نظر می‌رسد که چینی‌ها تمایل بیشتری به جلب نظر کشورهای عربی در سیاست خارجی خود داشته‌باشند، چراکه تصور می‌کنند ایران به صورت یک طرفه به پکن وابسته است و در هیچ شرایطی توانایی کاهش روابط با چین ندارد، درحالی‌که کشورهای عربی منطقه گزینه‌های متعددی برای توسعه روابط دارند.

دیپلمات‌ها



انتقاد از مصونیت بخشی به جنایتکاران جنگی

سخنگوی وزارت امور خارجه ایران دیروز اقدام وزارت خارجه آمریکا در تحریم و ارباب کسانی که به دنبال پاسخگو کردن جنایتکاران صهیونیست هستند را مصونیت‌بخشی ظالمانه و عربان به جنایتکاران تحت تعقیب و تباهی اخلاقی آشکار خواند. اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه گفت: «درحالی‌که جنایتکاران جنگی و نسل‌کش آزادانه به ارتکاب جنایات علیه بشریت ادامه می‌دهند، وزارت خارجه آمریکا کارزار ارباب و تحریم کسانی که به دنبال پاسخگو کردن این جنایتکاران هستند را تشدید می‌کند.» وی افزود: «این کار یعنی مصونیت‌بخشی ظالمانه و عربان به جنایتکاران تحت تعقیب: نوعی تباهی اخلاقی آشکار.»



محکومیت تحریم‌های کانادا

مدیرکل حقوق بشر وزارت امور خارجه، اقدام دولت کانادا در اعمال تحریم‌های موسوم به حقوق بشری علیه تعدادی از شهروندان ایرانی را به بهانه ادعاهای واهی، به‌شدت محکوم کرد و آن را اقدامی مداخله‌جویانه و ناشی از خوی خودبرت‌پندارانه تصمیم‌گیران این کشور دانست. فروزنده ودیعتی، مدیرکل امور زنان و حقوق بشر وزارت امور خارجه ایران در یک موضع‌گیری رسانه‌ای با تأکید بر فقدان هرگونه مبنای حقوقی و اخلاقی برای این اقدام مداخله‌جویانه کانادا، خاطرنشان کرد: «دولت کانادا به‌عنوان میراث‌دار سرکوب نظام‌مند حقوق بشر بومیان و نیز به‌عنوان طرفی که سابقه طولانی در همدستی با رژیم نسل‌کش اسرائیل در کشتار مردم فلسطین و تجاوز علیه سایر کشورهای منطقه دارد، هیچ صلاحیتی برای طرح ادعاهای مزورانه حقوق بشری علیه ایران ندارد.» این دیپلمات ارشد ایرانی همچنین با اشاره به قطع روابط یک‌جانبه کانادا با ایران و محروم‌سازی ایرانیان مقیم این کشور از خدمات کنسولی، این سیاست‌ها را نقض آشکار حقوق بشر دانست و تأکید کرد: «تحریم‌های یک‌جانبه کانادا علیه ایران، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم ایران را هدف قرار داده و دولت کانادا باید پاسخگوی پیامدهای منفی اقدامات خود که در مواردی در حد جنایت علیه بشریت است، باشد.»



اسرائیل به دنبال تجزیه سوریه

امیرسعید ایروانی، سفیر و نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران نزد سازمان ملل متحد، با محکومیت تجاوز غیرقانونی اسرائیل به شهرک بیت‌جن در سوریه گفت: «اقدامات رژیم اسرائیل بخشی از راهبردی عامدانه برای تثبیت اشغال، تجزیه سوریه و تضعیف انسجام ملی آن از طریق سوءاستفاده از تفاوت‌های قومی و فرقه‌ای و ترویج دستورکارهای تجزیه‌طلبانه به‌شمار می‌رود.» ایروانی تأکید کرد: «شورای امنیت نمی‌تواند در برابر این نقض‌ها منفعل باقی بماند. تأکیدات صرف بر حاکمیت و تمامیت ارضی سوریه، چنانچه با اقدامات عینی و مؤثر برای واداشتن رژیم اشغالگر صهیونیستی به تبعیت همراه نباشد، از منظر حقوقی تهی و به‌الفاظی توخالی تقلیل می‌یابد. تداوم انفعال، سکوت گزینشی، یا حمایت سیاسی از رژیم اسرائیل توسط یکی از اعضای دائم این شورا صرفاً به‌عادی‌سازی و مشروعیت‌بخشی به اشغالگری و اقدامات تجاوزکارانه آن منجر شده و قطعنامه‌های شورای امنیت را بی‌اثر و غیرقابل اجرایی سازد.»